

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۴۵ _ بخش اول: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» _
مطلب یازدهم: توفیق صبر _ مطلب دوازدهم: صبر و توحید
تاریخ: ۱۱ بهمن ۱۴۰۰
مصادف با: ۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۳
جلسه: ۴۲

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه گذشته

در بخش اول از آیه ۴۵ یعنی «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، مطالب گوناگونی ذکر شد. حدود ده مطلب ولو به صورت مختصر، بیان شد. چند مطلب دیگر باقی مانده که انشاء الله بعد از بیان آن، سراغ بخش دوم می‌رویم.

مطلب یازدهم: توفیق صبر

مطلب یازدهم مربوط است به اینکه صبر که خداوند امر به استعانت به آن کرده، خودش نیازمند عنایت و توفیق از ناحیه خدا است. توضیح مطلب اینک:

هر چه در این عالم خلق شود این منسوب به خداست و هر چه که در عالم لباس وجود بیوشد، به یک معنا مخلوق خدا است. چه انسان‌ها و چه صفات نفسانی قائم به نفس انسان‌ها، همگی موجودات این عالم اند که با عنایت و افاضه خداوند تبارک و تعالی رنگ وجود پیدا کردند. بالاخره انسانی که از یک پدر و مادری متولد می‌شود، به افاضه وجود از ناحیه خدا موجود شده است. اگر این انسان عالم شود، باز این علم او به مدد افاضه خداوند تبارک و تعالی است. اوصاف نفسانی که این شخص پیدا می‌کند هم باز به مدد باری تعالی است. لذا همین که خداوند تبارک و تعالی صبر را به انسان عطا کرده، خودش یک نعمت است، همانطور که علم یک نعمت است. بالاخره افاضه این صفت در نفوس انسان‌ها ولو با واسطه از ناحیه خداوند تبارک و تعالی است. نکته مهم این است که تقویت و تحکیم این وصف هم محتاج توفیقی است از ناحیه خداوند تبارک و تعالی.

در سوره نحل خداوند میفرماید: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ»، صبر کن و این صبر تو نیست مگر به سبب خداوند. یعنی اصل صبر به سبب خداوند است و البته عمق و وسعت صبر هم نیازمند عنایت و توفیق از ناحیه خداوند تبارک و تعالی است.

روایتی از رسول گرامی اسلام وارد شده که میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُؤْنَةِ وَيَنْزِلُ الصَّبْرَ عَلَى قَدْرِ الْبَلَاءِ» خداوند تبارک و تعالی کمک را به اندازه هزینه و نیاز نازل می‌کند، و مقدار صبر را به اندازه بلا نازل می‌کند. این خیلی مهم است. گاهی مصیبتی برای کسی پیش می‌آید، واقعا انسان این را حس می‌کند که به موازات نزول این بلا،

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۷.

خداوند صبر را هم بیشتر می‌کند. اینکه گاهی مردم که یکدیگر را می‌بینند، می‌گویند خداوند به تو صبر دهد، حاکی از همین مطلب است. صبر را فی الجمله همه به عنوان یک نعمتی که خدا به انسان داده می‌فهمند. منتهی بعضی خیلی سطحی و بسیار کم از آن برخوردارند ولی بعضی صبرشان وسعت و عمق دارد. در مواردی که بلا و مصیبتی برای انسان پیش می‌آید، خداوند به موازات نزول بلا صبر بیشتر با عمق و وسعت بیشتر به انسان عطا می‌کند. لذا اگر خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، امر می‌کند به استعانت به صبر و خود این صبر را خداوند به عنوان یک نعمت به انسان عطا کرده و بدون تردید این نعمت خدا است. در عین حال این صبر ظرفیت توسعه عمقی و عرضی دارد که این باز به مدد لطف خدا و عنایت خدا صورت می‌گیرد و خدا هم که می‌فرماید استعانت به صبر بجویند، در حقیقت می‌خواهد زمینه این توفیق را در انسان فراهم کند. کسی که به صبر پناه ببرد علاوه بر اثرات وضعی که قبلاً ذکر کردیم خداوند تبارک و تعالی یک توفیقی برای او فراهم می‌کند که صبر او از عمق و وسعت بیشتری برخوردار شود. لذا نکته ای که در مطلب یازدهم مورد نظر بود و به آن توجه داده شد، همین بود که به طور کلی صبر نعمت و توفیقی از ناحیه خدا است که اگر شکرش بجا آورده شود، افزون تر خواهد شد و به انسان بیشتر کمک و مساعدت خواهد نمود.

مطلب دوازدهم: صبر و توحید

مطلب دوازدهم درباره رابطه صبر و توحید است. بعضاً در روایات از صبر به عنوان رأس ایمان یاد شده است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: *الصبر من الإيمان بمنزلة الرأس من الجسد*، صبر و نسبت و جایگاهش در ایمان آدمی، مانند سر نسبت به بدن آدم است. سر یک جنبه محوری دارد و اصل و اساس است برای انسان و فعالیت هایش. همچنین می‌فرماید صبر نسبت به ایمان همانند سر است نسبت به بدن.

یا در برخی روایات آمده: *الصبر نصف الإيمان*، صبر نیمی از ایمان است. به چه دلیل بین صبر و ایمان این پیوند برقرار شده و معادل سر برای ایمان و یا معادل نیمی از ایمان دانسته شده است؟

توضیح این مطلب در حقیقت به جایگاه صبر در توحید آدمی و نقشی که در آن دارد کمک می‌کند. برای این منظور توجه داشته باشید که ایمان یعنی باور قلبی. آنچه که خداوند تبارک و تعالی از انسان خواسته، ایمان به مبدأ، معاد و رسالت پیامبر است؛ اعتقاد و باور قلبی به اینکه خداوند تبارک و تعالی مبدأ این عالم است و اینکه بازگشت همگان به سوی او. حقیقت ایمان که اساس و پایه اعتقاد بشر است و اولین گام برای تسلیم و بندگی در برابر خداوند تبارک و تعالی است، عبارت است از باور قلبی به مبدأ و معاد.

صبر چه کمکی به این باور و اعتقاد می‌کند؟ یعنی صبر چگونه می‌تواند رنگ و بوی توحید را در انسان تقویت کند و اگر این معلوم شود، آنوقت معلوم می‌شود چرا صبر رأس الإيمان و یا نصف الإيمان است. روایت های متعددی داریم که صبر تارة در برابر طاعت است و آخری در برابر معصیت و ثالثه در برابر مصیبت.

اگر کسی در مواجهه با دشواری‌ها و سختی‌های زندگی صبر و تحمل کند و گمان و اعتقادش این باشد که این حادثه، این دشواری و... با همه سختی‌هایی که برای من دارد، اما چون من معتقدم یک حکیم قادر متعال آن را اداره می‌کند و نظامی که در این عالم حاکم است نظام احسن است، ربّ العالمین دارد آن را اداره می‌کند و مقدرات این عالم در دست اوست، من در برابر این تدبیر و تقدیر صبر می‌کنم، خویشتن داری می‌کنم و فکر می‌کنم آنچه که خدا مقدر کرده خیر است. البته در جایی که جای صبر باشد. این قطعا به ایمان آدمی کمک می‌کند، توحید را در باورهای قلبی ما پررنگ تر می‌کند.

یا مثلا کسی که ممکن است در معرض ارتکاب یک نافرمانی قرار بگیرد و خدا را معصیت کند، اگر خدای این عالم را حاضر و ناظر بر همه رفتار و اعمال بداند و مراقبت از نفس خودش کند و با هوای نفسش مبارزه کند و مرتکب آن معصیت نشود، به خاطر اینکه خدا را حاضر و ناظر بر همه رفتار و اعمال می‌داند، آیا این معنایش توحید نیست؟ یا کسی که در اطاعت از خدا صبر می‌کند و سختی‌های اطاعت از خدا را بر خودش هموار می‌کند و می‌گوید چون خدا فرمان داده من این کار را انجام می‌دهم، آیا این توحید نیست؟

صبر به هر سه وجه اگر به درستی مورد توجه قرار گیرد، این در ایمان آدم بسیار نقش دارد. آدم کم صبر و کم تحمل چه در برابر مصیبت، چه در برابر معصیت و چه در برابر اطاعت در حقیقت گویا هنوز به تأثیر تام خداوند در این عالم باور ندارد، گویا هنوز خدا را حاضر و ناظر نمی‌بیند، گویا هنوز برای خداوند جایگاهی که نباید در برابر او مخالفت کند قائل نیست. طبیعتا هر یک از این موارد حکایت از کم رنگ بودن توحید و باور به توحید در انسان می‌کند.

پس اگر بگوییم بین صبر و ایمان چنین رابطه وثیقی وجود دارد، گزاف نیست. اینکه فرمود: *الصبر من الإيمان بمنزلة الرأس من الجسد*، به این دلیل است. صبر در مجموعه ایمان آدمی مانند سر است، هر که صبر بیشتر داشته باشد، با نگاهی که عرض شد، توحیدش قوی تر است. اگر گفته شده *الصبر نصف الإيمان* به این دلیل است. این پیوند حتما باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته ای که باقی مانده این است که گفتیم معنای صبر عام است، یعنی نه خصوص صوم مقصود است و نه خصوص صبر بر صلا، بلکه معنایی عام دارد، یعنی همان قدرت تحمل در برابر امور ناخوشایند که البته مصادیق مختلف و متعددی دارد. اینکه بعضی این را حمل کردند بر صبر در صلا، البته برگرفته از برخی آیات است: مثلا در سوره طها خداوند میفرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۱ اهلت را به نماز امر کن و بر نماز صبر داشته باشید. یا در سوره مریم میفرماید: «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ».

۱. سوره طه، آیه ۱۳۲.

پس صبر در عبادت و صلاة در بعضی آیات آمده، اما اینجا که میفرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، منظور معنای عام است نه خصوص صلاة.

علی ایحال صبر یکی از اموری است که انسان باید در مواردی به آن پناه ببرد. روایات بسیاری داریم که همگی حاکی از این است که هم صبر و صلاة از اولین چیزهایی بودند که انبیاء و ائمه برای حل مشکلات، هموم و غمومشان به آنها پناه می‌بردند.

«والحمد لله رب العالمین»